

ارزیابی تأثیر عوامل اجتماعی، فرهنگی و رفاهی بر رضایتمندی خانوارهای مهاجر به شهر تهران

محمد تقی شیخی^۱، مهری السادات طیبی‌نیا^۲

چکیده:

پژوهش حاضر به بررسی پدیده مهاجرت و رضایت خانوارهای مهاجر به شهر تهران پرداخته است. هدف تعیین عوامل رضایت مهاجران و میزان تأثیرپذیری آنان از جنبه‌های مختلف محیطی در قالب تغییر شرایط اجتماعی، فرهنگی، رفاهی و نگرشی است که به صورت پیمایشی مورد مطالعه قرار گرفته است. تحلیل نهایی این پژوهش بر روی ۲۰۰ خانوار مهاجر در بین خانوارهای معمولی ساکن در مناطق ۳، ۶ و ۱۲ شهر تهران که لزوماً دارای فرزند(ان) بالای ۱۰ سال بوده‌اند انجام گرفته است.

نتایج پژوهش بر اساس تحلیل‌های همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین رضایت مهاجران و میزان استفاده از امکانات رفاهی و همچنین وضعیت اجتماعی فرزندان وجود دارد و این بدان معناست که هرچه میزان استفاده از امکانات رفاهی بیشتر و وضعیت فرزندان بهبود داشته مهاجر از جابجایی خود به شهر تهران رضایت بیشتری داشته است. در جریان تحلیل از طریق مدل‌سازی معادلات ساختاری، میزان تأثیرات متغیرها بر رضایت مهاجر بررسی شده است. تبیین فرضیات با تکیه بر دیدگاه‌های مثبت کارکردی و کلاسیک مهاجرت صورت گرفته است.

واژه‌های کلیدی: مهاجرت، رضایت، امکانات رفاهی، اجتماعی و فرهنگی

mtshykhi@yahoo.com

۱. استاد جامعه‌شناسی گروه علوم اجتماعی دانشگاه الزهراء، تهران

Tayebi_nia@yahoo.com

۲. دانشجوی مقطع دکتری تخصصی جامعه‌شناسی فرهنگی دانشگاه دهقان

تاریخ پذیرش: ۹۲/۲/۲۵

تاریخ وصول: ۹۱/۱۱/۳

مقدمه

در سالهای اخیر مطالعات متعددی در زمینه شاخص‌های بهبود کیفیت محیط صورت گرفته است. یکی از جنبه‌های این مطالعات توجه به تعامل انسان و محیط است؛ بدین منظور سنجش میزان رضایت مردم از محیط زندگیشان اهمیت می‌یابد.

جیکوبز و کومدیا فضای شهری را فضایی عمومی و ناهمگن، پویا و متنوع می‌دانند. لوئیس مانفورد فضای شهری را فضایی عمومی همراه با همزیستی، همکاری و مشارکت در ارزشهای فضاهای عمومی که بر کیفیت اجتماعی، فرهنگی و ارتقای بهزیستی انسان تأثیر دارند می‌داند (پارسی، ۱۳۷۹: ۶۵).

برخی دانشمندان علوم اجتماعی فهرستی از آنچه در شهر ارزشمند می‌دانند تهیه کرده‌اند. مارگارت مید در مقاله‌ای با عنوان «ما چه شهری می‌خواهیم؟» عواملی چون همسایگان سازگار، حس تداوم و احساس سرنوشت مشترک را ذکر می‌کند. علاوه بر این وی خصوصیات چگونگی تنوع، گمنامی، تحرک، انتخاب محل سکونت، اجتناب از جدایی اجتماعی و امکان گسسته شدن از پیوندهای اجتماعی را درج کرده است. در سال ۱۹۷۵ تئوری‌ای به نام «تئوری رضایت شهروندان» ارائه شد. این تئوری یک مدل تحلیلی است که براساس میزان رضایت شهروندان از محیط سکونتی‌شان در مورد مؤلفه‌های مختلف فیزیکی، اجتماعی، اقتصادی، محیط زیستی، زیبایی‌شناسی و... عمل می‌کند. برای دست‌یافتن به معیارهای کیفیت محیط شهر و محلات آن که مورد نظر شهروندان باشد، محققان روی ۷۶۷ خانوار در اوهایو مطالعه کردند. آنها خصوصیات خانوارها، محل سکونت، محله‌ای که در آن زندگی می‌کردند و تأثیرات این عوامل بر رضایت این خانوارها را مورد بررسی قرار دادند. این مدل بر مبنای تطابق خواست‌ها و نیازهای شهروندان با موقعیت فعلی و احساس آنها از محل سکونتشان عمل می‌کند. عمده مؤلفه‌هایی که خانوارهای منتخب به عنوان معیارهای کیفیت محیط ارائه دادند شامل عوامل بهداشت محیط، امنیت، برخورداری از تسهیلات شهری خوب، تعاملات اجتماعی خوب، و... بوده است. در سال ۱۹۷۷ از تعدادی دانشجویان شهرسازی و معماری

خواستار شده شد که نظر شخصی خود را در مورد یک شهر خوب ابراز کنند. تعداد قابل توجهی از اظهارات ارزشمند ارائه شده در قالب ارزش‌های شهری خلاصه مطرح شد که به تعدادی از آنها در اینجا اشاره شده است: دسترسی مناسب به ارتباطات، دسترسی خوب به منابع، خدمات و مراکز تفریح، دسترسی به همهٔ قسمت‌ها و برای همه، شغل، مسکن، فعالیت، سبک‌های زندگی، موقعیت‌های اجتماعی، تنوع همسایه‌ها، حس مفهوم خودی، توجه و افتخار، مقیاس انسانی، شخصیت دادن، حمایت از ارتباط متقابل اجتماعی، پیوند شهروندان با شهر، حس مالکیت نسبت به شهر، مدارس خوب، تکنولوژی معاصر، پایه اقتصادی محکم، موقعیت اقتصادی، نشانه‌ها و اماکن برجسته، برابری، عدالت، انطباق‌پذیری و انعطاف‌پذیری (لینچ، ۱۹۷۲: ۴۸۶).

از آنجا که بخش زیادی از ساکنان شهری ما مهاجران هستند بنابراین، تلاش برای شناخت زوایای آن، موضوعی است که ما را به درک بیشتر این واقعیت رهنمون می‌کند. علاوه بر این، مهاجرت با تأثیرپذیری مهاجران از جنبه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی از محیط جدید، آثار مهمی بر سیمای ظاهری و همچنین زندگی روزمره افراد دارد که در قالب تغییرات در نگرشها و تصورات افراد مهاجر نمود می‌یابد. تغییرات ناشی از مهاجرت ممکن است در سطح گروهی و یا فردی باشد (بری، ۱۹۹۲: ۷۰). کلمه مهاجر، خود به خود نوعی تفاوت در نگرشها و خلق و خوی افراد را به ذهن متبادر می‌کند (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۲).

به نظر لوئیس^۱ زمان و فضا تنها معیارهای تعریف‌کننده مهاجرت نیست. مردم اگر به عنوان مهاجر تعریف می‌شوند، باید تغییری را در زمینه اجتماعی خود تجربه کنند (لوئیس، ۱۹۸۲: ۷). الگوها و تکنیک‌های متفاوتی نقش مهاجرت را به عنوان یک عامل اجتماعی، که می‌تواند دارای کارکردهای مثبت و منفی باشد مطرح کرده‌اند. اگرچه ممکن است مهاجرت به دلایل مختلفی انجام پذیرد، اما شناخت این علل در بین کشورها، شهرها و حتی روستاها مستلزم شناخت تفاوتهاست. همانطور که شناخت علل

مهاجرت به عناوین مختلف بررسی شده، شناخت نتایج مهاجرت نیز به همان اندازه می‌تواند مؤثر باشد. در واقع شناخت بیشتر افراد مهاجر، تأثیرات محیط بر مهاجران در قالب آثار و میزان رضایتمندی آنها از مهاجرت به درک بیشتر ما از پدیده مهاجرت خواهد انجامید. با این مقدمه به تفصیل بیشتر این مطلب می‌پردازیم.

بیان مسأله

در کشور ما همواره پدیده مهاجرت داخلی خصوصاً مهاجرت به کلان‌شهر تهران به مثابه پدیده اجتماعی نادرست تلقی شده و همواره به عنوان یک مسأله اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است؛ اما در این بحث این موضوع را به عنوان یک پدیده و اینکه چگونه این امر باعث تغییر و تحول در جامعه مقصد می‌شود و پیامدهای رفاهی، اجتماعی، فرهنگی که می‌تواند برای خانواده‌های مهاجر داشته باشد، مورد مطالعه ما خواهد بود. اگرچه پدیده مهاجرت در همه جوامع و دوره‌ها مطرح بوده است، اما ماهیت، علل و آثار آن در جوامع مختلف یکسان نمی‌باشد.

در واقع با تحقق یافتن مهاجرت به دلایل مختلف و ورود خانوارهای مهاجر به کلان‌شهر تهران، مهاجران اولین تجربه‌های حضور خود در مبدأ را با تفاوت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی جستجو خواهند کرد. با مهاجرت نه تنها محل زندگی افراد تغییر می‌یابد بلکه وضعیت اجتماعی آنها هم دچار دگرگونی می‌گردد. این دگرگونی‌ها را می‌توان شامل تغییر در دانستیهای فردی، تغییر در رفتار فردی و رفتارهای اجتماعی و همچنین تغییر در وضعیت اقتصادی و اجتماعی دانست. بنابراین انسان و جامعه با وجود مهاجران دچار دگرگونی و تغییر می‌شود (خباز بهشتی، ۱۳۸۱: ۴۵). مهاجر موجودی ترکیبی است که دارای پیچیدگی فرهنگی ویژه‌ای است و با توجه به اینکه با فرهنگ‌ها و مناطق جدید تطبیق پیدا می‌کند، شخصیتی قابل تغییر است (ربانی، ۱۳۸۵: ۱۳).

مطالعه تجربیات و نتایج آن بر افراد مهاجر، بدون در نظر گرفتن شرایط آنها قبل از مهاجرت به شهر تهران امکان‌پذیر نیست. افراد مهاجر در تهران با شناختی که از محیط پیدا می‌کنند، عکس‌العمل‌های متفاوتی از خود بروز می‌دهند و همچنین در این راستا تغییر

و تحولاتی در سطح خانوار اتفاق می‌افتد؛ تغییراتی که در راستای انطباق و سازگاری با شرایط موجود می‌تواند زمینه‌های رفتن یا ماندن مهاجران را تحت تأثیر قرار دهد؛ بنابراین پرداختن به موضوع میزان رضایتمندی مهاجران از این جابجایی می‌تواند زوایایی از این واقعیت را مشخص سازد.

ایمان و مرادی (۱۳۸۸) رابطه بین فرهنگ‌پذیری و سلامت روانی بین مهاجران را در یک نمونه موردی در کرمانشاه مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که هرچه افراد مهاجر جهت فرهنگ‌پذیری و سازگاری با افراد بومی از استراتژی یکپارچگی استفاده کنند، دارای کیفیت بالایی از سلامتی و در نتیجه از وضعیت بهتری در زندگی برخوردارند.

در تحقیقات قبلی شناخت چگونگی تحرک اجتماعی افراد بعد از مهاجرت به دلیل آثار و نتایج فردی و اجتماعی که می‌توانست برای ساخت و نظام اجتماعی داشته باشد مورد بررسی قرار گرفته است (طیبی نیا: ۱۳۸۸). فضای شهری فضای متحرکی است که در مقایسه با محیطهای بسته، ایستا و نقشهای اجتماعی از ابتدا تعیین شده و تقریباً ثابت، در آن پدیده‌های «صعود اجتماعی» و موفقیت‌های درخشان امکان‌پذیر است (ژان پیتیه، ۱۳۶۹: ۵۲).

با توجه به اینکه دیدگاه‌های کلاسیک کارکردگرا هستند، بنابراین بر اساس یک تبیین کارکردی، مهاجرت مثبت و به عنوان برقرارکننده تعادل قلمداد می‌شود و به نوعی باعث ایجاد تحرک اجتماعی و ارتقای قشری- طبقاتی در پایگاه فرد می‌شود. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که مهاجرت می‌تواند باعث تحرک اجتماعی صعودی در بین مهاجران شده و باعث بالارفتن پایگاه اجتماعی آنها شود. نتایج این رابطه دیدگاه کارکردی مهاجرت را به خوبی تبیین کرده و کارکرد مثبت مهاجرت را در ارتباط با ارتقا و پیشرفت اجتماعی فرد پس از مهاجرت تأیید می‌نماید.

رویکردهای کیفیت زندگی می‌تواند به صورت بیرونی^۰ درونی روی فرد، خانواده و سطوح اجتماعی ارزیابی شود و همچنین اندازه‌گیری رضایت از محیط، یک شاخص

ذهنی برای کیفیت زندگی است. در واقع کیفیت زندگی انسان میزانی است که نیازهای وی تأمین شود و ارزش‌ها حاصل گردد (بولز، ۱۹۹۳: ۴۱۹).

تحولات، تغییرات فرهنگی خانواده و فرزندان، ساختار زندگی شهری و مواجه شدن با محیط جدید، روابط اجتماعی و تعامل‌ها را که یکی از عوامل مهم در ایجاد احساس تعلق و مشارکت‌های اجتماعی در امور شهری است کاهش می‌دهد. رفتار شهروندان و کیفیت مشارکت آنان در امور جامعه به عنوان یکی از الزامات اساسی سرمایه اجتماعی و از شاخص‌های توسعه‌یافتگی جوامع محسوب می‌شود و تعیین میزان نهادینه شدن فرهنگ شهروندی به منظور تعیین جایگاه خود در جریان توسعه‌یافتگی در بستر جهانی شدن از ضروریات دستیابی به شاخص‌های توسعه می‌باشد (ربانی، ۱۳۸۵: ۲۴۶) همچنین با توجه به اهمیت شهروند بودن نه شهرنشین بودن که دو مقوله متفاوت هستند، هنجارپذیری و انطباق فرهنگی به عنوان یکی از پیامدهای مهاجرت در قالب تغییرات اخلاقی مهاجران مورد بررسی قرار گرفته و نشان می‌دهد که وضعیت اخلاقی آنها و نگرش آنها همانند افراد بومی نبوده و تا حدودی تفاوت نگرش بین آنها وجود دارد (طیبی نیا، ۱۳۸۸: ۱۵۲) و این پژوهش تأثیر تغییر نگرش‌های فرهنگی افراد در میزان رضایت از مهاجرت را ارزیابی خواهد کرد.

استفاده بهینه از امکانات و دسترسی به آنها می‌تواند به تداوم و انتقال هنجارها و ارزش‌های اجتماعی یک جامعه یاری رساند و هم مبین وفاق و هم تقویت‌کننده آن باشد؛ این امور می‌تواند به حفظ الگویی که توسط نظام فرهنگی جامعه طراحی می‌شود یاری رساند و از این طریق به کاستن تنش‌ها و تقویت حس تعلق اجتماعی در نزد شهروندان منجر شود. پارسونز در پی توضیح میزان اثرگذاری امکانات تفریحی و رفاهی به عنوان یک نهاد اجتماعی در سازگاری فرهنگی و اجتماعی بود (اشرف الکتابی،

۱. فردی که مهاجرت می‌کند بعد از اقامت به عنوان شهرنشین محسوب می‌شود، اما هنگامی که با قوانین و مقررات و مناسبات محیط جدید آشنا شده، آن را پذیرفته و قواعد آن را رعایت نماید، شهروند خواهد شد (هویت: ۱۳۸۷: ۲).

۱۳۷۹: ۱۸۶).

امکانات موجود در شهر تهران به مراتب بیشتر و بهتر از مکانهای کم جمعیت در روستاها و دیگر مراکز شهری می باشد و انگیزه استفاده از امکانات بهتر یکی از دلایل و جاذبه هایی است که افراد را به سمت تهران هدایت می کند. اگرچه استفاده از امکانات بهتر در کلان شهرها هزینه های بیشتری برای شهروندان دارد و با توجه به اینکه تمامی آنها قادر به پرداخت این هزینه ها نمی باشند، میزان استفاده از این تسهیلات و امکانات و تأثیر آن بر میزان رضایت مهاجران مورد بررسی قرار گرفته است.

اهداف تحقیق

هدف اصلی پژوهش، بررسی میزان رضایتمندی خانوارهای مهاجر به شهر تهران است. به عبارت دیگر، هدف شناخت میزان تأثیر تغییرات رفاهی، اجتماعی، فرهنگی، در رضایت از مهاجرت در سطح خانوار مهاجر است. برای شناخت بهتر و بیشتر این عوامل و ویژگیهای اکتسابی مهاجران از محیط جدید، اهداف زیر مورد توجه قرار گرفته است:

تعیین میزان تأثیر استفاده از امکانات رفاهی شهر تهران و رابطه آن با رضایت مهاجر.

تعیین میزان تأثیر استفاده از امکانات فرهنگی شهر تهران و رابطه آن با رضایت مهاجر.

تعیین میزان تأثیر تغییرات وضعیت اجتماعی فرزندان مهاجر و رابطه آن با رضایت مهاجر.

تعیین میزان تأثیر تغییرات نگرش فرهنگی افراد مهاجر به منظور شناخت تضادهای فرهنگی، اجتماعی و تأثیر آن در میزان رضایت مهاجر.

مبانی نظری

پدیده مهاجرت به دلیل بین رشته ای بودن آن، موضوع بسیاری از رشته های علوم انسانی، اجتماعی و اقتصادی است. با توجه به اینکه تعاریف قراردادی مهاجرت بیشتر مبتنی بر ابعاد زمانی و مکانی است، زمانی جابجایی می تواند به عنوان مهاجرت تلقی

شود که تغییری را در موقعیت اقتصادی و اجتماعی فرد حرکت کننده به وجود آورد (لوکاس و میر ۱۳۸۴: ۱۲۷-۱۲۶). از نظر مندراس نکته اساسی این است که مهاجرت حتی اگر به تغییر مکانی بینجامد باز هم صورتی از تحرک اجتماعی است (کاظمی پور ۱۳۷۴: ۶). هانسن هم جزء کسانی است که نسبت به مهاجرت نظر مثبت دارد. او معتقد است که مهاجرت در حقیقت کمی ماجراجویی در بر دارد و ضمناً باعث ایجاد ارتباطات جدید اجتماعی می‌شود و در واقع مهاجرت نشانه پیشرفت در زندگی است (خبازبهشتی، ۱۳۸۱: ۶۵).

در شکل کلی، نظریات کلاسیک به نوعی مهاجرت را عقلایی و هدفدار می‌داند و ماهیت تصمیم‌گیریهای مهاجر را کاملاً عقلایی و از طریق موازنه هزینه‌ها و منافع فرض می‌کنند و معتقدند با این پیشینه، شخص پس از مهاجرت در مقصد می‌تواند به راحتی در نظام ارزشی مسلط جذب یا حل شود (لهسایی زاده، ۱۳۶۸: ۲۰۰). جان ویکس^۱ هم با این فرض که افراد در طول زندگیشان هدفهای مختلفی را دنبال می‌کنند، مهاجرت را وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف تلقی می‌کند (ویکس، ۱۳۸۵: ۲۷۸-۲۸۰).

- یکی از نکات اساسی که در نهایت رضایت از مهاجرت را برای خانوارها به همراه دارد، داشتن تصورات اجتماعی یکسان از امکانات و شرایط روزمره اطراف آنها می‌باشد.

امیل دورکیم نخستین کسی بود که تصورات فردی را از تصورات اجتماعی متمایز کرد. او تصورات فردی را به عنوان مقوله‌ای روانی در نظر می‌گیرد و در عین حال تصورات جمعی را حاصل جمع تصورات فردی نمی‌داند. تصورات به ما اجازه می‌دهند که اطلاعاتی که در اطرافمان وجود دارد را درونی کنیم و بدین وسیله با دیگران و محیط اطراف خود ارتباط برقرار سازیم. بوردیو با کاربرد واژه سرمایه فرهنگی به عنوان منبع فکری، افکار و رفتار انسانها، این سرمایه را بخشی از جسم انسان می‌بیند (بوردیو، ۱۹۷۲). طبق نظر بوردیو طرح‌واره‌ها در افراد منحصر به فرد است و همانندی در

1. John Robert Weeks 1944

طرح‌واره‌ها آنها را در یک طبقه قرار داده و باعث می‌شود که آنها همانند هم ببیندیشند و رفتار کنند و طبقات مشابه، تصورات مشابهی از شرایط خواهند داشت (دی نای، ۱۳۸۱: ۷۶).

بنابراین با توجه به اینکه انسان‌ها سرمایه‌های فرهنگی متفاوتی دارند پس تصورات، رفتارها و کنش‌های متفاوتی نیز خواهند داشت و بر عکس کلیت‌های همانند نیز تصوراتی همانند به دنبال خواهد داشت (منادی، ۱۳۸۳: ۹۱). بنابراین مفهوم رضایت در یک کلیت کیفی همانند در بین افراد شکل می‌گیرد.

سیزر رضایت از محیط را ناظر بر ارزیابی ذهن فرد از کیفیت رابطه‌ای می‌داند که میان دو یا چند عامل در محیط مادی و ارزشی او برقرار می‌شود. به عبارت دیگر رضایت محیطی یعنی احساس خوشحالی و خوشنودی از فضا، فعالیتها و ارزشهایی که فرد را احاطه کرده است. ارزیابی محیطی همواره از دو جنبه انسان و محیط مورد توجه قرار گرفته است.

ابعاد کیفی محیط به عنوان یکی از بخش‌های رابطه انسان و محیط و در نتیجه رضایت از محیط در نظر گرفته می‌شود. (رفیعیان، خدایی، ۱۳۸۹: ۱۳۶)

اورت. س. لی همچنین از طریق نظریه عوامل جاذبه و دافعه، عوامل برانگیزاننده و بازدارنده مهاجرت را مطرح می‌کند و بر آن اساس، در صورتی که عوامل برانگیزاننده و بازدارنده مثبت باشد، میل به مهاجرت در فرد ایجاد می‌شود و اگر چنانچه عوامل شخصی نتواند این تمایل را از بین ببرد و موانع موجود در جریان مهاجرت نیز تاثیر بازدارنده‌ای اعمال نکند، مهاجرت عینیت می‌یابد. وی وجود امکانات بیشتر آموزشی، اشتغال و درآمد را در مبدأ از جمله عوامل جاذبه به حساب می‌آورد. نکته قوت نظریه لی تأکید درست و به جای او درباره عوامل شخصی است که تحت تأثیر این عوامل، برخی افراد مهاجرت را ترجیح و به آن مبادرت می‌ورزند (زنجان، ۱۳۸۰: ۱۳۳)

همانطور که مهاجران از نظر اجتماعی تغییراتی را می‌پذیرند، در بعد فرهنگی هم دچار تغییراتی در وضعیت نگرشی و بینشی خود می‌شوند. شباهتها و تفاوتها بین شیوه

زندگی مهاجران و شهروندان، بررسی تأثیرات اجتماعی را بسیار مشکل می‌کند (فیندلی، ۱۳۷۲: ۸۲)، اما سعی می‌شود تا بر اساس بعضی تفاوت‌های خاص بین دو شیوه زندگی، تأثیرات این تغییرات در میزان رضایت مهاجر بررسی شود.

دوگانگی‌های فرهنگی که در آغاز مهاجرت میان مهاجران و افراد بومی اتفاق می‌افتد به تدریج تبدیل به یگانگی می‌شود. در واقع مهاجرت باعث ارضای نیازهای فردی می‌شود (تقوی، ۱۳۷۸: ۵۷-۵۵). با پذیرش علیت دو طرفه مکتب دیالکتیک می‌توانیم بپذیریم که محیط و شرایط اجتماعی حاکم بر آن نه تنها در مبدأ می‌تواند عامل تغییر شود، بلکه در مقصد هم تحت تأثیر شرایط محیطی می‌تواند به شکل انطباق با محیط اجتماعی و یا از خود بیگانگی فرهنگی نمود یابد. پیامدهای از خود بیگانگی می‌تواند به سطحی شدن روابط و بی تفاوتی افراد و احساس عدم تعلق آنان بینجامد و با روند تطابق با محیط، افراد از تغییرات و دگرگونیهای شهری و پذیرش امور تازه و نو از تجدد و ترقی استقبال می‌کنند.

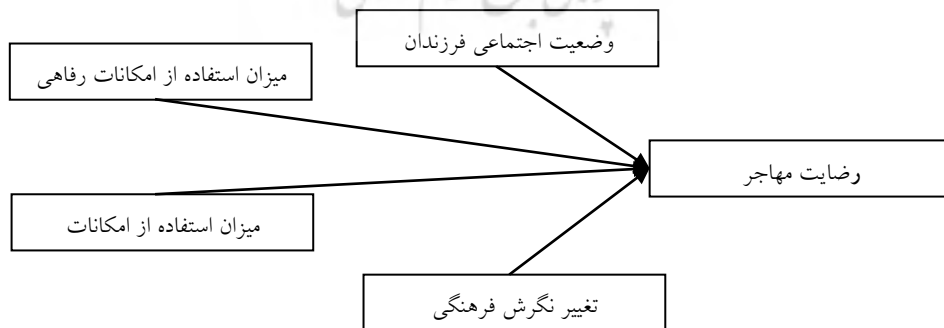
طی جریان فرهنگ‌پذیری، فرد عمیقاً و از جهات مختلف با فرهنگ جدید همانند می‌شود. این جریان برای کودکان و نوجوانان بسیار سهل و برای میانسالان و سالمندان تا اندازه‌ای دشوار است. در شرایط مهاجرت، فرزندان مهاجر به سادگی خود را با فرهنگ و شرایط جدید تطبیق می‌دهند، در صورتی که هم‌نوا شدن بزرگترها و بالغین به سختی انجام می‌گیرد و نیاز به مدت زمان بیشتری دارد (شیخی، ۱۳۸۲: ۱۳۹). کودکان از فضاهای شهری درس‌ها و آموخته‌هایی می‌گیرند که چه بسا ممکن است آنان را از نظر رفتاری بیش از آموزه‌های خانه و مدرسه متأثر سازد؛ بنابراین امکانات فضای شهری به منظور رفت و آمد کودکان بسیار مهم و قابل توجه است و چنانچه فضاهای عمومی شهری به درستی پای گیرد، محیط مناسبی را به وجود خواهد آورد که کودکان و پدر و مادر، در آن احساس امنیت می‌کنند (شیعه، ۱۳۸۵: ۱۲۴)؛ بنابراین توجه به وضعیت فرزندان به دلیل سهولت امکان انطباق آنها با محیط جدید از موضوعاتی است که تأثیر آن بر مفهوم رضایت مهاجر می‌تواند قابل بررسی باشد.

میزان استفاده از امکانات موجود برای عموم مردم در فضای عمومی جامعه می‌تواند تا حدودی تحت تأثیر موقعیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ویژگی‌های روان‌شناختی فرد قرار گیرد. در دیدگاه سازه‌نگاران امنیت رفاهی در بستر فراهم سازی امکانات و تسهیلات زندگی، آسایش و رضایت را برای شهروندان به ارمغان می‌آورد (نویدینا، ۱۳۸۹: ۸۷).

از دیدگاه کارکردی همچنین مواردی را که دلالت بر امکانات رفاهی دارند باید جزئی از فرآیند جامعه‌پذیری افراد به حساب آورد. فضای عمومی با ایجاد فرهنگ جدید که تناقضی با فرهنگ‌های متنوع افراد ندارند به بالا بردن فرهنگ تفریح در جامعه منجر می‌شوند. فضای عمومی شرایط یکسان‌سازی دوگانگی‌های فرهنگی شهر را فراهم می‌کند. عملکرد اصلی فضای عمومی فراهم‌سازی و بسترسازی حضور مردم است.

فضاهای عمومی مکان‌هایی هستند که بیشترین برخوردها و کنش‌های متقابل میان افراد در آنها به وقوع می‌پیوندد و شامل تمامی بخش‌هایی از شهر است که مردم به آن دسترسی فیزیکی دارند. فضاهای عمومی شهری، ضرورتی اساسی در برنامه‌های توسعه شهری یافته‌اند که این امر حکایت از نقش این فضاها در رضایتمندی شهروندان و تقویت وجهه فرهنگی^۵ اجتماعی شهر دارد. ویژگی‌های فضای شهری تأثیر بسزایی در روند شکل‌گیری تصویر ذهنی، خاطره جمعی و در نهایت هویت شهری دارد (فکوهی، ۱۳۸۵: ۲۰-۲۳).

الگوهای نظری مطرح شده را می‌توان در قالب مدل مفهومی پژوهش در نمودار شماره ۱ مشاهده کرد.



نمودار ۱. نحوه تأثیر متغیرها بر رضایت مهاجر

روش تحقیق

یکی از روش‌های مناسب برای تحقیق اجتماعی روش پیمایشی است. از پیمایش می‌توان برای هدف‌های توصیفی و تبیینی استفاده کرد، همچنین پیمایشها وسیله بسیار خوبی برای سنجش نگرشها و جهت‌گیریها در جمعیت‌های بزرگ هستند (بسی، ۱۳۸۵: ۵۳۰). این تحقیق با روش پیمایشی انجام گرفته، از نظر زمانی از نوع مطالعات مقطعی و از تحقیقات پنهانگر می‌باشد. واحد تحلیل در این تحقیق خانوار و واحد مشاهده فرد می‌باشد. داده‌های تحقیق با استفاده از ابزار پرسشنامه که از رایج‌ترین تکنیک‌های مربوط به تحقیقات پیمایشی است حاصل آمده است. جامعه آماری در این تحقیق «خانوارهای معمولی ساکن در مناطق ۳، ۶ و ۱۲ شهر تهران که حتماً دارای فرزند ۱۰ سال به بالا بوده‌اند، می‌باشد.

حجم نمونه آماری بر مبنای خوشه‌های ۱۰۰۰ نفری از کل خانوارهای مهاجر در مناطق مذکور و بررسی بیش از ۳۰ خانوار برابر با ۲۰۰ نمونه انتخاب شد. به منظور برآورد حجم نمونه از روش کوکران استفاده شده است. در این تحقیق به هنگام انتخاب نمونه، خانواده‌هایی که دارای فرزند ۱۰ سال به بالا بودند، انتخاب می‌شدند. واحد تحلیل در این تحقیق سرپرست خانوار می‌باشد.

شهر تهران بر اساس تقسیمات شهری به ۲۲ منطقه تقسیم شده است. بعد از تحقیق بر روی مناطق مختلف، با توجه به بافت بومی و مهاجر و میزان تراکم آنها در مناطق مختلف و همچنین محل سکونت آنها، سه منطقه که مرکزیت داشته و دارای حاشیه‌نشینی نباشند و از لحاظ توزیع نسبی مهاجران تقریباً تراکم مشابهی داشته باشند، بر اساس معیار همگن بودن انتخاب شدند (مناطق ۳، ۶ و ۱۲ مناطق تفکیک شده توسط شهرداری تهران می‌باشند).

همچنین تعیین حداقل حجم نمونه لازم برای گردآوری داده‌های مربوط به مدل‌یابی معادلات ساختاری بسیار با اهمیت است. با وجود آنکه در مورد حجم نمونه لازم برای تحلیل عاملی و مدل‌های ساختاری توافق کلی وجود ندارد، اما به گمان بسیاری از

پژوهشگران حداقل حجم نمونه لازم ۲۰۰ می‌باشد (حبیبی، ۱۳۹۱: ۱۳).

جدول شماره ۱. ویژگیهای جمعیتی مناطق منتخب پژوهش

| منطقه | جمعیت | | | خانوار | | مهاجران | |
|----------|---------|--------|--------|--------|-------------|---------|------------|
| | مرد وزن | زن | مرد | جمع | معمولی ساکن | جمعیت | توزیع نسبی |
| منطقه ۳ | ۲۹۰۷۲۶ | ۱۴۹۵۴۰ | ۱۴۱۱۸۶ | ۹۱۹۸۱ | ۹۱۰۷۸ | ۳۶۶۴۱ | ۱۲/۶ |
| منطقه ۶ | ۲۳۷۲۹۲ | ۱۱۷۸۷۱ | ۱۱۹۴۲۱ | ۷۰۴۲۷ | ۶۹۳۲۶ | ۴۶۲۰۰ | ۱۹/۵ |
| منطقه ۱۲ | ۲۴۸۰۴۸ | ۱۱۶۴۰۳ | ۱۳۱۶۴۵ | ۷۲۱۶۲ | ۷۰۲۸۳ | ۳۱۱۳۹ | ۱۲/۶ |

تعریف نظری و عملیاتی متغیرها

متغیرهای مستقل در این تحقیق تغییر نگرش فرهنگی مهاجران، تغییر وضعیت اجتماعی فرزندان مهاجرین، میزان استفاده از امکانات و تسهیلات رفاهی و فرهنگی و متغیر وابسته در این پژوهش رضایت مهاجر می‌باشد.

برای ساختن شاخصها سعی شده است که از تعاریف اسمی و قراردادی و تحلیلی استفاده شود و برای مشخص کردن مفهوم واژه متغیرها نیز به تعریف عملی آنها پرداخته‌ایم. عملیاتی‌سازی بسط فرایند مفهوم‌سازی است. عملیاتی‌سازی عبارت است از مشخص ساختن نهایی نحوه تشخیص صفات مختلف متغیری معین در دنیای واقعی (ببی، ۱۳۸۵: ۳۴۱).

- آیزن و فیش باین^۱، نگرش را احساس عمومی شخص نسبت به مطلوب بودن یا نبودن یک مفهوم می‌دانند (آیزن و فیش باین ۱۹۸۰). سیزر (۱۹۸۸) رضایت را ارزیابی ذهن فرد از کیفیت رابطه‌ای که میان دو یا چند عامل برقرار می‌شود می‌داند. او رضایت را مبتنی بر دو فاکتور قلمداد می‌کند: ۱- نتیجه یک رابطه ۲- درک و ذهنیت فرد از آن رابطه. گاه نتیجه یک رابطه مثبت است ولی ارزیابی ما از آن رابطه منفی است؛ در نتیجه آن رابطه برای ما رضایت‌بخش نخواهد بود. (رفیعیان، خدایی ۱۳۸۹: ۱۳۶) نگرش افراد نسبت به محیط و میزان رضایت آنها از طریق سه شاخص رضایت پدر و مادر، رضایت

فرزندان و اظهار رضایت از مهاجرت در نظر گرفته شده است.

از دیدگاه یادگیری اجتماعی، رفتار تحت تأثیر دیگران و موقعیتهای محرک و در نتیجه شرطی شدن و مدل قرار دادن دیگران در تمام طول زندگی فرد ادامه می‌یابد؛ باتوجه به وجود تفاوت‌های فردی، محیط عامل تعیین‌کننده و اخلاق امری اکتسابی است. اخلاق نسبی و تابع فرهنگ است (کریمی، ۱۳۷۳: ۲۵۶). برای سنجش میزان تغییرات نگرش فرهنگی سه شاخص نوگرایی، سطحی شدن روابط اجتماعی، انطباق با شرایط را در نظر گرفته‌ایم. در این راستا نوگرایی در قالب ۳ گویه شامل تمایل به ارتقای تحصیلی فرزندان، تمایل به بالا رفتن سن ازدواج (با طیف کاملاً موافق تا کاملاً مخالف) و اهمیت به محل تولد فرزندان و نگرش افراد به خانواده مطلوب در سه شاخص تمایل به کاهش باروری، عدم ترجیح جنسی و در نظر گرفتن فرصتهای از دست رفته مورد ارزیابی قرار گرفته است. همچنین سطحی شدن روابط در قالب ۴ گویه با طیف خیلی زیاد تا خیلی کم شامل میزان روابط با دوستان خانوادگی، اقوام و آشنایان، همسایه‌ها و بی‌تفاوتی در روابط مورد بررسی قرار گرفته و پویایی اجتماعی که در قالب ۳ گویه شامل میزان آزادیهای فردی (با طیف خیلی زیاد تا خیلی کم)، احساس پویایی و احساس تعلق و شهروندی (در قالب دو سؤال قضاوتی پنج قسمتی) مورد بررسی قرار گرفته‌اند. با در نظر گرفتن گویه‌های معکوس، فاصله مجموع نمرات افراد در گویه‌های ذکر شده، در طیف خیلی زیاد تا خیلی کم قرار گرفته و سطح وضعیت نگرش فرهنگی به دست آمده است.

- برای سنجش میزان تغییرات وضعیت اجتماعی فرزندان، شاخصهای استقلال اجتماعی، اعتماد به نفس، روابط با دوستان، شرکت در کلاسهای آموزشی همراه با طیف ۵ قسمتی، از خیلی زیاد تا خیلی کم مطرح شده و از مجموع امتیازات افراد درباره عبارات ذکر شده، نمره میزان تغییرات وضعیت اجتماعی فرزندان به دست آمده که در طیف تغییرات خیلی زیاد تا خیلی کم میزان تغییرات مشخص گردیده است.

- تسهیلات و امکانات رفاهی شامل امکانات موجود برای عموم مردم در فضای

عمومی جامعه است؛ بنابراین با توجه به اینکه سنجش میزان استفاده از این تسهیلات با تعداد گویه‌های اندک میسر نبود بنابراین سنجش در چند مرحله انجام گرفت. در این ارتباط شش عنوان کلی برای بررسی این موضوع شامل دسترسی به مراکز درمانی (از طریق طیف خیلی کم تا خیلی زیاد)، میزان استفاده از امکانات ورزشی (شامل میزان استفاده از پارکها و فضای سبز، سالنهای ورزشی، باشگاههای تندرستی، زمین‌های ورزشی و پیست)، میزان استفاده از امکانات تفریحی (شامل پارکها و فضای سبز، جاهای گشت و گذار و دیدنی، کوههای اطراف تهران و آثار تاریخی)، میزان استفاده از اماکن تغذیه (شامل رستوران، رستوران‌های غذای حاضری، کافه و کافی شاپ) و میزان استفاده از مراکز خرید (شامل مغازه‌ها، بازار و میدانها و فروشگاههای زنجیره‌ای و بزرگ) در نظر گرفته شده است. مجموع نمرات گزینه‌های طبقه بندی شده خیلی زیاد تا خیلی کم برای هرکدام از عناوین فوق به صورت جداگانه به دست آمده و در نهایت مجدداً در یک طیف ۵ گزینه‌ای از خیلی زیاد تا خیلی کم مورد ارزیابی نهایی قرار گرفتند.

همچنین برای سنجش میزان استفاده از امکانات فرهنگی (شامل سینما، نمایشگاه، کتابخانه، فرهنگسرا و جشنواره‌ها و موزه) از طریق طیف ۵ قسمتی خیلی زیاد تا خیلی کم مورد ارزیابی قرار گرفتند.

اعتبار و قابلیت اعتماد

برای تعیین میزان اعتبار این تحقیق از اعتبار ظاهری (صوری) استفاده شده است. با مراجعه به برخی از منابع و تحقیقات قبلی انجام شده توسط پژوهشگران و همچنین با مراجعه به نظرات استادان راهنما و مشاور، از اعتبار ظاهری پرسشنامه اطمینان حاصل گردید.

در ابتدا از سنجه‌هایی استفاده شد که در تحقیقات قبلی دارای قابلیت اعتماد بودند. بعد از مطالعات مقدماتی، متغیرها و سنجه‌های پرسشنامه توسط روش آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفت. این روش با تأکید بر همسانی درونی، ضریب پایایی را برای اجزا یا قسمتهای آزمون مشخص می‌کند. تعیین ضریب پایایی پرسشنامه به کمک نرم

افزار spss انجام گرفته است. سؤالات پرسشنامه از طیف‌های ۵ گزینه‌ای (از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف) و (خیلی زیاد تا خیلی کم) تشکیل شده‌اند. مقدار ضریب آلفا برای سؤالات ترتیبی مورد سنجش در پرسشنامه به شرح جدول زیر می‌باشد.

جدول شماره ۲. جدول مقادیر ضریب پایایی متغیرها

| متغیرها | مقدار ضریب |
|---------------------------------|------------|
| میزان استفاده از امکانات رفاهی | ۰/۶۶۵ |
| میزان استفاده از امکانات فرهنگی | ۰/۶۷۷ |
| وضعیت اجتماعی فرزندان | ۰/۷۵۹ |
| تغییر نگرش فرهنگی | ۰/۶۷۲ |

یافته‌های تحقیق

الف: با توجه به اینکه از مجموع کل پاسخگویان مورد مطالعه حدود ۲۰۰ نفر را مهاجران (شهر/روستا) تشکیل می‌دهند، نتایج به دست آمده از یافته‌های حاصل در بخش توصیفی نشان می‌دهد که از نظر جنس حدود ۵۲ درصد مرد و حدود ۴۸ درصد زن و از نظر سنی ۳۵ درصد از پاسخگویان با بیشترین فراوانی در گروه سنی ۳۵ تا ۴۴ سال قرار دارند و همچنین از نظر تحصیلات ۳۶ درصد افراد با بیشترین فراوانی دارای مدرک لیسانس و فوق لیسانس می‌باشند. در مجموع با در نظر گرفتن فراوانی تجمعی حدود ۵۸ درصد، افراد مهاجر دارای تحصیلات زیر دیپلم و در بین طبقه‌بندی مشاغل ۴۸/۵ درصد افراد با بیشترین فراوانی کارمند بوده‌اند. از نظر بعد خانوار حدود ۶۳/۵ درصد خانواده‌ها ۳ تا ۴ نفره بوده‌اند. از نظر مدت اقامت افراد مهاجر در شهر تهران حدود ۴۰ درصد مهاجران زیر ۱۴ سال اقامت داشته‌اند و ۱۶/۵ درصد بین ۱۵ تا ۲۴ سال و بقیه ۲۵ سال به بالا اقامت داشته‌اند.

با توجه به اینکه مهمترین یافته‌های این پژوهش مرتبط به بررسی تأثیر عوامل مختلف بر رضایت مهاجر می‌باشد؛ بنابراین با در نظر داشتن مدل تحلیلی پژوهش فرضیه‌های زیر مورد آزمون همبستگی قرار خواهند گرفت و همچنین با استفاده از مدل معادلات ساختاری مقادیر و میزان تأثیرات آنها مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

فرضیه اول: بین میزان استفاده از امکانات رفاهی و میزان رضایت مهاجر رابطه

وجود دارد.

فرضیه دوم: بین میزان استفاده از امکانات فرهنگی و میزان رضایت مهاجر رابطه وجود دارد.

فرضیه سوم: بین وضعیت اجتماعی فرزندان و رضایت مهاجر رابطه وجود دارد.

فرضیه چهارم: بین تغییر نگرش مهاجر و رضایت مهاجر رابطه وجود دارد.

ب: با توجه به فرضیه‌های تحقیق برای بررسی روابط بین متغیرهای مستقل و وابسته از آزمون‌های همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج آمارهای دومتغیری در جدول شماره ۱ مشخص شده است. با توجه به جدول ضریب آزمون پیرسون برای آزمون رابطه بین میزان استفاده از امکانات رفاهی و رضایت مهاجران $0/289$ بوده و با اطمینان $0/99$ معنادار بوده است و می‌توان گفت که هرچه افراد مهاجر از امکانات رفاهی بیشتری استفاده کنند، به همان میزان از مهاجرت خود رضایت بیشتری دارند. در آزمون فرضیه دوم مقدار ضریب آزمون برابر با $0/144$ بوده و با سطح معناداری ($0/042$) این آزمون با اطمینان 95 درصد معنادار بوده و نشان دهنده وجود تفاوت در میزان استفاده از امکانات فرهنگی و رضایت مهاجران می‌باشد. همچنین رابطه رضایت مهاجران و تغییر وضعیت اجتماعی فرزندان آنها نشان می‌دهد که این آزمون با مقدار ضریب $0/235$ معنادار بوده و هرچه وضعیت اجتماعی فرزندان افراد بهبود داشته، به همان میزان رضایت مهاجران از مهاجرت افزایش یافته است.

مقایسه میزان تغییر نگرش مهاجران و رضایت آنها از مهاجرت با مقدار ضریب $0/122$ و سطح معناداری ($0/085$) نشان می‌دهد که بین میزان تغییر نگرش مهاجران و رضایت آنها از مهاجرت تفاوت چندانی وجود ندارد.

جدول شماره ۳. آزمون روابط دوگانه متغیرها

| روابط بین متغیرها | نوع آزمون | میزان همبستگی (r) | سطح معنی‌داری (sig) |
|---|----------------|-------------------|---------------------|
| میزان استفاده از امکانات رفاهی و رضایت مهاجر | همبستگی پیرسون | $0/289$ | $0/000$ |
| میزان استفاده از امکانات فرهنگی و رضایت مهاجر | همبستگی پیرسون | $0/144$ | $0/042$ |
| وضعیت اجتماعی فرزندان و رضایت مهاجر | همبستگی پیرسون | $0/235$ | $0/001$ |
| تغییر نگرش فرهنگی و رضایت مهاجر | همبستگی پیرسون | $0/122$ | $0/085$ |

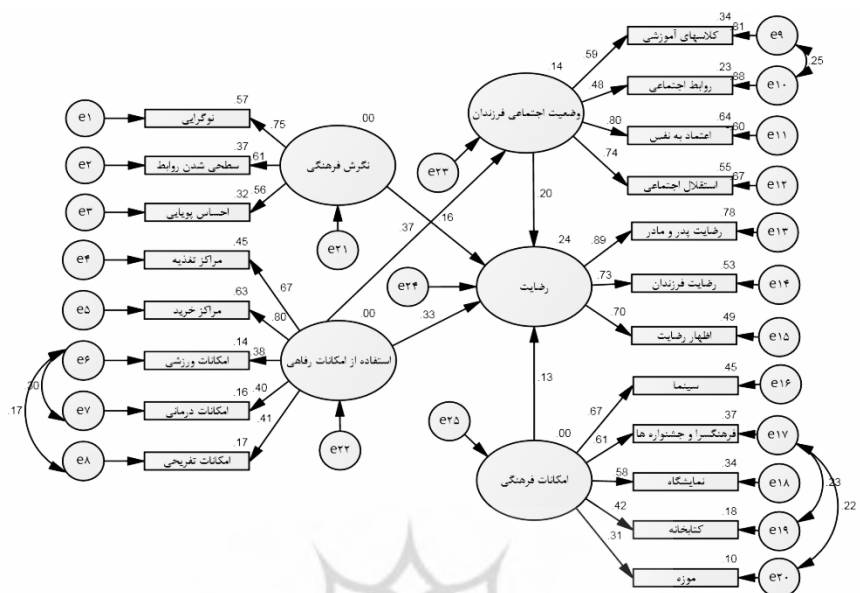
تحلیل چندمتغیره

در این بخش از تحلیل به بررسی روابط چندگانه و دوگانه ترسیم شده در مدل تحلیلی پرداخته‌ایم و هدف ما در این قسمت به دست آوردن میزان و سهم اثر متغیرهای مستقل بر متغیرهای وابسته می‌باشد. بر اساس مدل تحلیلی در نمودار شماره (۱) فرض بر این قرار گرفته که عواملی همچون میزان استفاده از امکانات رفاهی و فرهنگی و همچنین وضعیت اجتماعی فرزندان و تغییر نگرشهای مهاجران بعد از مهاجرت می‌تواند بر رضایت فرد مهاجر در مقصد تأثیر مستقیم و غیرمستقیم داشته باشد. بنابراین با استفاده از روش رگرسیون به بررسی اثر متغیرها بر رضایت مهاجر پرداخته شده است. نتایج تحلیل نشان می‌دهد که متغیر مستقل بر متغیرهای وابسته تأثیر داشته و نشان‌دهنده برازش مناسبی است. همچنین مقدار (R square) در این آزمون برابر با ۰/۲۴ است؛ یعنی ۲۴ درصد از واریانس رضایت مهاجر توسط متغیرهای مستقل موجود در معادله رگرسیون تبیین می‌شود.

الگوسازی معادلات ساختاری

در این قسمت به آزمون اعتبار سازه‌ای (وسیله اندازه‌گیری) و آزمون نیکویی برازش ساختار مورد نظر با استفاده از نرم‌افزار ایموس (AMOS) پرداخته شده است. مدل‌های ساختاری بر خلاف تحلیل مسیر که در آنها تنها امکان بررسی رابطه یک طرفه بین دو متغیر وجود دارد با مدل‌هایی مواجه هستیم که در آنها رابطه بین متغیرها می‌تواند دوطرفه بوده و به مدل‌های غیر بازگشتی موسوم هستند. (ابارشی، ۱۳۹۱: ۱۰)

با کاربرد نرم‌افزار ایموس مدل پژوهش منطبق با داده‌های پژوهش مورد ارزیابی قرار گرفته و محاسبات مربوط به مسیرهای مختلف تحلیل شده است.



| Chi-Square | df | p-value | RMSEA |
|------------|-----|---------|-------|
| ۴۵۴.۴۱۴ | ۱۶۰ | ./۰۰۰ | ./۰۹۶ |

نمودار ۲. مدل ساختاری رضایت مهاجر

مدل ساختاری رضایت مهاجر به آزمون اعتبار سازه‌ای وسیله اندازه‌گیری رضایت مهاجر و آزمون نیکویی برازش ساختار آن پرداخته است. در بخش اندازه‌گیری همانطور که نشان داده شده بیشتر متغیرها به طور نسبتاً مناسبی شاخص‌سازی شده و البته متغیرهایی که بار گویه‌ای پایینی داشته‌اند، از معادله خارج شده‌اند.

بخش ساختاری مدل حاکی از این است که متغیرهای استفاده از امکانات رفاهی (۰/۳۳) و وضعیت اجتماعی فرزندان (۰/۲۰) بیشترین واریانس رضایت را تبیین کرده‌اند. شاخص‌های مدل، آزمون نیکویی برازش ساختار نظری مطرح شده با داده‌های مشاهده شده و اعتبار سازه‌ای وسیله اندازه‌گیری مورد بحث را نشان می‌دهد. از آنجا که معیارهای $GFI = .۸۳۳$ و $AGFI = .۷۸۰$ نزدیک به یک می‌باشند، بیانگر برازش نسبتاً زیاد مدل و معیار $RMSEA = .۰۹۶$ حاکی از عملکرد ضعیف باقیمانده‌ها در مدل است

از آنجا که آماره کای اسکوار کاملاً تحت تأثیر حجم نمونه می‌باشد بنابراین معناداری یا عدم معناداری آن معیار مناسبی برای قضاوت در مورد مدل نمی‌باشد. شاخص $CMIN/FF = 2/840$ است که مقدار این عدد بین ۲ تا ۳ مقدار مطلوب را نشان می‌دهد. ضرایب بتا و ضرایب همبستگی در مدل نشان می‌دهد که میزان استفاده از امکانات رفاهی در یک مسیر مستقیم ($\gamma = .33$) و غیر مستقیم از طریق وضعیت اجتماعی فرزندان ($\gamma = .37$) بیشترین تأثیر را بر رضایت مهاجر داشته‌اند؛ یعنی هرچه قدر افراد از امکانات رفاهی بیشتری استفاده کرده‌اند، به همان میزان از مهاجرت خود رضایت بیشتری را داشته‌اند و همچنین میزان استفاده از امکانات رفاهی در بهبود وضعیت فرزندان تأثیر مستقیم و بر رضایت مهاجر تأثیر مثبت و غیر مستقیم داشته و وضعیت اجتماعی فرزندان دارای تأثیر مستقیم و مثبت بر رضایت مهاجران می‌باشد. مقدار ضریب بتا در تأثیر وضعیت اجتماعی فرزندان بر رضایت مهاجران ($\beta = .20$) می‌باشد. تأثیر تغییر نگرش فرهنگی مهاجران بر رضایت آنها ($\gamma = .16$) و میزان استفاده از امکانات فرهنگی هم دارای کمترین تأثیر ($\gamma = .13$) بر رضایت مهاجران می‌باشد.

نتایج و بحث :

هدف عمده این پژوهش نشان دادن میزان رضایت خانوارهای مهاجر از مهاجرت به شهر تهران بود. نتایج تحقیقات قبلی (طیبی‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۶۲) نشان می‌دهد که مهاجرت می‌تواند باعث تحرک اجتماعی صعودی در بین مهاجرین شده و باعث بالارفتن پایگاه اجتماعی آنها گردد و با توجه به اینکه آثار تحرک اجتماعی باعث ارتقای سطح کیفی اقتصادی و اجتماعی افراد می‌شود؛ بنابراین با در نظر گرفتن میزان تأثیرات شاخص‌ها بر متغیر تحرک اجتماعی و پایگاه اجتماعی، شاخص اشتغال بیشترین سهم را دارد. براساس یک آزمون مقایسه زوجی، شغل مردان بعد از مهاجرت بهتر از شغل آنان قبل از مهاجرت می‌باشد.

با آزمون فرض برابری میانگین‌های یک متغیر در چند جامعه، میانگین رضایت افراد در بین ۲۵-۳۴ سال اقامت در تهران، رضایت بالاتری را نسبت به مهاجرانی که حدود ۱

تا ۵ سال اقامت داشته‌اند نشان می‌دهد. همچنین در مقایسه بعدی نشان داده شده که رضایت افرادی که در حدود ۱۵-۲۴ سال در تهران اقامت داشته‌اند، بیشتر از افرادی است که ۶ تا ۱۴ سال در تهران حضور داشته‌اند.

آزمون فرض بالا نشان می‌دهد هرچه مهاجر تعداد سالهای بیشتری را در تهران اقامت داشته، رضایت بیشتری داشته است.

در تحقیق حاضر نیز سعی بر این است که میزان رضایت مهاجر از مهاجرت توسط متغیرهای مستقل در این رابطه تبیین گردد. نتایج این رابطه دیدگاه کارکردی مهاجرت را به خوبی تبیین کرده و کارکرد مثبت مهاجرت را در ارتباط با ارتقا و پیشرفت اجتماعی و رضایت فرد پس از مهاجرت تأیید می‌نماید. همچنین رویکردهای متنوع و گوناگون در حوزه رویکردهای معطوف به کیفیت مکانی و رضایت از محیط اجتماعی می‌توانند رضایت مهاجر را از مهاجرت تبیین کنند.

مراکز خرید، اماکن تغذیه، مکانهای تفریحی، مراکز درمانی و مکانهای ورزشی به ترتیب بیشترین و کمترین تأثیرات را در میزان استفاده از امکانات داشته‌اند. ایزاک ژوزف معتقد است تنها صفتی که برای تعریف فضای عمومی بیش از همه مناسب است، در دسترس بودن آن است. نوع امکانات و تفریحاتی که افراد انتخاب می‌کنند صرف نظر از اینکه در محل زندگی‌شان باشد یا برای آن مسیری را طی کنند، بسیار متفاوت است. رابطه بین میزان استفاده از امکانات و تسهیلات و مهاجرت نشان می‌دهد که با وجود تنوع در اماکن تفریحی و رفاهی، تنها افراد کمی از جامعه شهرنشین ما هستند که از این امکانات استفاده کنند. با توجه به اینکه مهاجران عامل نبود امکانات در مبدأ را در تصمیم به بازگشت خود مؤثر می‌دانند (سؤال باز پرسشنامه)؛ بنابراین توجه به تأثیر این شاخصها بر میزان استفاده از امکانات با اهمیت می‌باشد. نتایج تحقیق رضایت بیشتر مهاجران را در ارتباط با استفاده از این امکانات نشان می‌دهد.

پایتخت‌نشینان احتمالاً تحت تأثیر خدمات اجتماعی یا میزان درآمد و جبر شرایط شیوه پر کردن اوقات فراغت را نمی‌دانند. محدودیت تفریحات، به تخلیه نشدن انرژی

افراد از روشی که بتواند بستر احیای این انرژی را فراهم کند، می‌انجامد؛ اما تفریح را باید از جنبه دیگری نیز مورد توجه قرار داد. از آنجا که اکثر تفریحات در فضای عمومی یا فضاهای خصوصی، در مجاورت تعداد دیگری از افراد علاوه بر اعضای خانواده صورت می‌گیرد و همچنین اوقاتی که فرد به تفریح اختصاص می‌دهد وقت‌هایی است که کمترین حفاظ را در مقابل محیط اطرافش دارد، بیشتر پذیرای رفتارهای جدید و در نتیجه، آسیب‌پذیر خواهد بود؛ اما احساس صمیمیت ایجاد شده ناشی از تفریح در یک فضای عمومی، می‌تواند به تأثیرپذیری و الگوسازی آسان منجر شود یا در بهترین حالت به همانندسازی و یکسان شدن رفتارها بینجامد. البته همه فضاهای شهری، امکانات مناسبی برای پر کردن اوقات فراغت شهروندان ندارد؛ اگرچه در شهر تهران هم فضای کافی در استفاده از این اماکن وجود ندارد و مهاجران در اوقات فراغت بیشتر ترجیح می‌دهند تهران را ترک کنند.

در تحقیقات قبلی تغییرات وضعیت اجتماعی فرزندان افراد بومی و مهاجر نشان می‌دهد که از نظر اجتماعی فرزندان افراد بومی و مهاجر با هم تفاوتی ندارند و انطباق و پذیرش شرایط اجتماعی در هر دو گروه به یک میزان می‌باشد. (طیبی نیا، ۱۳۸۸: ۱۶۲)؛ این امر می‌تواند ناشی از جریان فرهنگ‌پذیری باشد. تحقیق حاضر با توجه به وضعیت اجتماعی فرزندان نشان می‌دهد که این عامل تأثیر زیادی در میزان رضایت مهاجران داشته و این نشان‌دهنده توجه والدین به شرایط فرزندان و به نوعی از علل مهاجرت باشد. در بعضی مواقع مهاجرت از روستا به شهرها به علت فقر اقتصادی نیست بلکه بعضی از افراد تنها برای بهره‌مندی از رفاه بیشتر به شهرها مهاجرت می‌کنند. وی بیان می‌کند: خدمات شهری شامل بهداشت، آموزش، مراکز تفریحی و رفاهی و... است که همین موارد موجب شده است تا روح تنوع‌طلبی در جوانان روستایی سیراب نشود و محیط آرام روستا را با محیط پر از هیاهوی شهر عوض کنند. جوانی که از روستا به شهر مهاجرت می‌کند، زمانی که به روستا باز می‌گردد نوع رفتار، لباس پوشیدن و حرف زدن او تغییر می‌کند که موجب تشویق دیگر جوانان برای مهاجرت از روستا به شهر

می‌شود. مقایسه کردن کارهای سنگین در روستا مانند کشاورزی با شغل‌های متنوع در شهر و نارسایی‌های موجود در نظام آموزشی روستاها، موجب تشویق جوانان روستا برای مهاجرت به شهر برای کسب مدارک تحصیلی بالاتر می‌شود.

چین جیکوبز بر این باور است که در اجتماع شهری و در پیوند بین خانه و مدرسه، مهمترین علائق کودک به ایمنی خیابان، شادابی و سرزندگی شهر باز می‌گردد که کلید اصلی رفع نگرانی‌های اساسی افراد و از جمله کودکان است.

مراحل پرورش کودک از فرهنگ و آمیزه‌های فرهنگی جامعه آغاز می‌شود و خانواده، مدرسه، محله و شهر را طی می‌کند. فرهنگ‌ها بر کودکی و جامعه کودک وارد می‌شوند و شالوده رفتاری و کرداری و شخصیتی او را در مراحل بعدی زندگی شکل می‌دهد؛ بنابراین از موارد مهم در عرصه‌های زندگی شهری، ایجاد فضاهای مناسب برای کودکان است. فرصت مشاهده مردم، بزرگسالان و خردسالان در فعالیت‌ها و مشاغل مختلف، بر جاذبه‌های اجتماعی کودکان می‌افزاید. (شیعه، ۱۳۸۵: ۱۳۵)

در آزمون روابط دوگانه مشخص شد که میزان تغییرات نگرش فرهنگی مهاجران که در واقع به تعبیری می‌تواند سرعت پذیرش متغیرهای مورد نظر باشد، از تأثیر کمتری بر رضایت مهاجران برخوردار بوده که در تبیین این ارتباط می‌توان گفت که معمولاً دلبستگی‌های افراد در محیط‌های کوچک‌تر به فرهنگ و آداب و رسوم، مانع نوجویی آنها می‌شود و افراد مهاجر نسبت به پدیده‌های نو و چیزهای تازه نگاهی محتاط‌تر دارند اما با روند تطابق با محیط افراد با تغییرات و دگرگونی‌های شهری و پذیرش امور تازه و نو از تجدد و ترقی استقبال می‌کنند. (وثوقی، نیک خلق، ۱۳۷۳: ۲۸۹-۲۸۷) انطباق به عنوان "فرآیندی که از طریق آن یک فرد یا یک گروه رفتار خود را برای هماهنگی با محیط اجتماعی، یعنی گروه‌های دیگر یا جامعه کل تنظیم می‌کند" تعریف شده است (تئودورسون، ۱۹۶۹: ۵)؛ بنابراین لزوم توجه به این امر و عواقب و آثار آن قابل تأمل است. مشکل هنجارپذیری و انطباق فرهنگی یکی از مشکلات و پیامدهای مهاجرت می‌باشد. (کاظمی پور، ۱۳۸۳: ۳۳۴)

در بحث نگرش فرهنگی پویایی از آن جهت اهمیت داشته که گسستن از فرهنگ پیشین و کسب فرهنگ جدید، مستلزم نوعی دگرگونی فرهنگی است و هرچه پویایی بیشتر باشد فعالیت فوق سریعتر انجام می‌گیرد. (شیخی، ۱۳۸۲: ۱۴۰)

در بحث روابط اجتماعی مشخص شد که روابط بسیار سطحی و رو به محدود شدن است. فیشر^۱ بر این باور است که اگرچه زندگی شهری افراد را به بی‌توجهی نسبت به خویشاوندان تشویق می‌کند اما پیوند خویشاوندی وجود دارد و فرصت‌های افراد برای ساختن پیوندهای اجتماعی فراتر از روابط خانوادگی و همسایگی گسترش یافته است (فیشر ۱۹۸۲). با توجه به اینکه در تحقیقات قبلی مشخص شده که به موازات کاهش رابطه اجتماعی، میزان متغیرهایی چون اعتماد و رضایت از زندگی نیز کاهش می‌یابد (گودرزی، ۱۳۷۴: ۱۲۴)، به نظر محققان، سستی علقه‌های انسانی، سطحی شدن روابط، بی‌توجهی نسبت به مسائل دیگران در حقیقت واکنشهایی است که مردم شهرهای بزرگ و جوامع پیچیده در برابر اضافه بار ناشی از سه ویژگی: «زیادی تعداد»، «تراکم و فشردگی» و «ناهمگونی» نشان می‌دهند. (کریمی، ۱۳۷۳: ۲۱۵-۲۱۴)

مکانهای فرهنگی وانند با ایجاد فرهنگی جدید که تناقضی با فرهنگ‌های متنوع افراد ندارند به بالا بردن فرهنگ تفریح در جامعه منجر شوند و همچنین تمرینی برای جامعه‌پذیری افراد، ایجاد روحیه کار جمعی و به حداقل رساندن تکروری در افراد اجتماع شوند. با توجه به این کارکردهای ایده‌آل است که ایجاد خانه‌های فرهنگ و فرهنگسراها بهترین اقدام برای پر کردن اوقات فراغت افراد در نظر گرفته شده است. (درویش، ۱۳۸۷: ۹)

پیشنهادها

۱- برنامه‌ریزی برای افزایش امکانات شهری کلان‌شهرها و همچنین تقویت فضاهای عمومی در شهرهای دیگر کشور با در نظر گرفتن این واقعیت که مهاجرت نه به عنوان یک مسأله بلکه به عنوان یک پدیده ناگزیر در کلان‌شهرها ادامه خواهد

یافت.

۲- توجه به ارتقای سطح بهداشت جسمی و روانی مردم و ایجاد تشکیلات و تأسیسات عمومی و فضاهای شهری مناسب در شهرها

۳- تلاش برای بهبود شرایط رفاهی و ایجاد جذابیت در شهرها و حتی روستاها به منظور کاهش مهاجرت افراد با توجه به حق استفاده از امکانات و تسهیلات مطلوب برای تک تک افراد در جامعه

۴- ایجاد امکانات و جذابیت‌های شهری در شهرها به منظور کاهش مهاجرت بیشتر به شهر تهران

۵- تقویت حس رضایت افراد از محیط زندگی با استفاده از برنامه‌ریزی‌های شهری منطقه‌ای

۶- برنامه‌ریزی برای ایجاد فضاهای مناسب و در دسترس برای کودکان و نوجوانان با توجه به جوان بودن جمعیت

۷- توسعه فضاهای سبز و طبیعت شهری به منظور ایجاد محیطی با نشاط برای کودکان

۸- لزوم فرهنگ‌سازی برای افزایش پویایی اجتماعی و احساس تعلق در افراد به منظور افزایش آگاهی و حس اعتماد و امنیت که در نهایت منجر به رضایت آنها خواهد بود.

منابع

- ابارشی، حسینی، احمد، سید یعقوب. (۱۳۹۱). «مدل‌سازی معادلات ساختاری»، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان
- ایمان، مرادی، محمدتقی، گل‌مراد. (۱۳۸۸). «بررسی رابطه بین راهبردهای فرهنگ‌پذیری و سلامت روانی در میان مهاجران» نمونه موردی مطالعه شهر کرمانشاه، جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۳۳، صص ۱۴۷-۱۷۰
- پارسی، حمیدرضا. (۱۳۷۹). «فضای شهری، حیات مدنی و نیروی اجتماعی فرهنگی، نمونه موردی خیابان کارگر» رساله دکتری، شهرسازی تهران، دانشگاه تهران
- تقوی، نعمت‌الله. (۱۳۷۸). مهاجرت‌های روستا شهری، درآمدی جامعه‌شناختی بر نظریه‌ها، تهران
- حبیبی، آرش. (۱۳۹۱). آموزش کاربرد لیزرل،
- خباز بهشتی، زهرا. (۱۳۸۱). مهاجرت: بررسی مشکلات مهاجران در جهان، تهران: آشیانه کتاب
- درویش، مهین. (۱۳۸۷). «فرهنگ تفریح»، روزنامه ایران، سال چهاردهم، شماره ۳۸۹۹، ۲۱ فروردین، ص: ۹
- دی‌نای، رابرت. (۱۳۸۱). سه مکتب روان‌شناسی، دیدگاه‌های فروید، اسکینر و راجرز، ترجمه جلالی، تهران: انتشارات پادرا
- ربانی، رسول. (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی شهری، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان
- رفیعیان، خدایی، مجتبی، زهرا. (۱۳۸۹). شهروندان و فضای عمومی شهری، نگرش تحلیلی بررسی شاخص‌ها و معیارهای مؤثر بر رضایتمندی شهروندان از فضاهای عمومی شهری، تهران: دفتر گسترش تولید علم
- زنجانی، حبیب‌الله. (۱۳۸۰). مهاجرت، تهران: سمت
- شیخی، محمدتقی. (۱۳۸۲). جامعه‌شناسی جهان سوم، تهران: انتشارات اشراقی
- شیعه، اسماعیل. (۱۳۸۵). آماده‌سازی شهر برای کودکان، تهران: سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، مؤسسه نشر شهر

- طیبی نیا، مهری السادات. (۱۳۸۸). «پیامدهای مهاجرت برای خانوارهای مهاجر به شهر تهران»، اصفهان، مجله علمی پژوهشی مطالعات و پژوهش‌های شهری منطقه‌ای تابستان ۱۳۸۸، ص: ۱۴۳-۱۶۴.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۵). انسان‌شناسی شهری، تهران: نشر نی
- فیندلی، سلی. (۱۳۷۲). «برنامه‌ریزی مهاجرت‌های داخلی» ترجمه عبدالعلی لهسایی‌زاده، شیراز: انتشارات نوید
- کاظمی پور، شهلا. (۱۳۷۴). «تحرك اجتماعی و مهاجرت در شهر تهران» پایان‌نامه دکترا به راهنمایی: محمد میرزایی، محمد توکل، دانشگاه تهران
- کاظمی پور، شهلا. (۱۳۸۳). «بررسی مسائل جمعیتی ایران با تأکید بر جوانان»، دومین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران (مجموعه مقالات)، دانشگاه شیراز
- کریمی، یوسف. (۱۳۷۳). روانشناسی اجتماعی، نظریه‌ها، مفاهیم و کاربردها، تهران: انتشارات بعثت
- گودرزی، محسن. (۱۳۷۴). «بررسی پیوند رابطه اجتماعی و میزان رضایتمندی در شهر تهران»، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد به راهنمایی: مصطفی ازکیا، دانشگاه تهران
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی. (۱۳۶۸). نظریات مهاجرت، شیراز: انتشارات نوید
- مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری ۱۳۸۵ شهر تهران
- منادی، مرتضی. (۱۳۸۳). «تأثیر تصورات و تعاریف مشابه زوجین در رضایت زندگی»، نشریه مطالعات زنان، سال دوم، شماره ۴
- نوید نیا. (۱۳۸۹). «امنیت رفاهی»، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی سال دوم، شماره دوم ۹۰-۷۱
- وثوقی، نیک خلق؛ منصور، علی اکبر. (۱۳۷۳). تهران: خردمند
- ویکس، جان. (۱۳۸۵). جمعیت، مقدمه‌ای بر مفاهیم و موضوعات، ترجمه الهه میرزایی، تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی
- هویت، گروه شهری. (۱۳۸۷). «مهاجران، شهروند یا شهرنشین»، همشهری آنلاین به روز شده، ۲۳ اردیبهشت، ۱۳۸۷
- Berry, J.W. (1992) Acculturation And Adaptation in a New society

- International Migration, 30 (special Issue: Migration) and Health in the 1990s:69-86
- Bubolz, m.m Sontag. (1993) m.s, "human Ecology Theory ". In p. boss, w.Doherty, R. larossa, w.schunm&s. Steinmetz (Eds), souce book of family theories and methods: A contextual approach. Newyork: plenum press.
 - Fischer,c. (1982), To Dwell Among Friends ,Barkley: university Of California press
 - Hizen, Ical & Martin, Fishbein. (1980) understanding Attitude and predicting Social Behavior, Prentice Hall Englewood Cliff Inc, New jerssy
 - Lewis, G.J. (1982). Human Migration , Croon Heth, London
 - Lynch, Kevin. (1972) lte openness of open space ,ats of Enviroment, Aidan Ellis.
 - Theodorson G.A. & A.G Theodorson. (1999) population ,Belmont, California: Words worth Publishing.
 - Bourdieu, Pierre (1972). Esquisse d'une thõrie de la pratique, prõ d' e detrois ,tudes d ethnologie Kabyle. Gentv e, Ed Droz

